

جرم‌انگاری اعتیاد به مواد مخدر در پرتو اصل پدرسالاری حقوقی

حسین آقابابایی^{۱*}، بهناز رضایی زادفر^۲

۱. دانشیار گروه حقوق دانشگاه گیلان

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزایی و جرم‌شناسی دانشگاه گیلان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۸/۲۰ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۱۰/۲۲)

چکیده

پدرسالاری حقوقی از جمله اصولی است که جرم‌انگاری بر مبنای آن، و با تکیه بر تئوری جلوگیری از آسیب زدن به خود توجیه می‌شود. رویکردی که در قبال اعمال و رفتارهایی که افراد با انجامشان به جسم، روان یا اخلاق خویش آسیب می‌رسانند یا موجب اتلاف مال خود می‌شوند، برخورد کیفری می‌شود. با توجه به اینکه سوءمصرف مواد مخدر و اعتیاد به آن معمولاً به عنوان جرمی فاقد بزه دیده و شناخته شده و عوارض زیان‌بار آن به صورت مستقیم متوجه خود فرد می‌شود، حال این پرسش مطرح است که جرم تلقی کردن اعتیاد و سوءمصرف مواد مخدر با کدامیک از اصول جرم‌انگاری متناسب است؟ صرف نظر از ضرورت جرم‌انگاری مصرف مواد مخدر، با توجه به نارسایی‌های اصول اخلاق‌گرایی و ضرر به غیر، اصل پدرسالاری حقوقی گزینه مناسب‌تری برای مداخله کیفری در خصوص اعتیاد و سوءمصرف مواد مخدر به نظر می‌رسد. در این مقاله ضمن بررسی اجمالی اصول جرم‌انگاری، جرم‌انگاری اعتیاد و سوءمصرف مواد مخدر براساس اصل پدرسالاری بررسی شده است.

واژگان کلیدی

اعتیاد، پدرسالاری حقوقی، جرم‌انگاری، جرم‌زدایی، ضرر به خود، ضرر به دیگری، مصرف مواد مخدر.

مقدمه

جرم‌انگاری فرایندی است که از رهگذر آن، دولت رفتاری را ممنوع کرده و به آن خصیصه کیفری می‌دهد و با اعمال کیفر، در صدد سرکوب آن برمی‌آید. ضمانت اجرای کیفری، پاسخ رسمی و شدید دولت به عمل مجرمانه است (Schonscheck 1994, 2-7؛ نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۰: ۹۰). قانون‌گذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می‌کند. بر این اساس، جرم‌انگاری امری پسینی بوده و مبتنی بر علوم زیرساختی و پیشینی مانند فلسفه حقوق، فلسفه سیاسی و علوم اجتماعی است. آن دسته علوم زیرساختی که ضرورت وجود دولت و حکومت را، برای نظم و سامان بخشی به جوامع بشری، توجیه کرده‌اند، برای این نهادها، حق جرم‌انگاری و تعیین کیفر و مجازات برای نقض ارزش‌های اساسی جامعه قائل شده‌اند.

اعتیاد به مواد مخدر از معضلات اساسی بشر به شمار می‌رود و همه جوامع با درجات متفاوت، در معرض آسیب‌ها و عوارض مستقیم و غیر مستقیم آن هستند. این مشکلات را در یک طبقه‌بندی کلی می‌توان به دو دسته عوارض فردی و اجتماعی تقسیم‌بندی کرد. از مهم‌ترین عوارض فردی مرتبط با این معضل، آسیب‌های بهداشتی است که دو حوزه جسم و روان را مبتلا می‌سازد. از عوارض اجتماعی اعتیاد نیز می‌توان به مشکلات خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اشاره کرد.

از ضررهای جسمی ناشی از اعتیاد دردهای جسمانی، خستگی مفرط، زردی و پوکی دندان‌ها، افزایش فشار خون، ضعیف شدن سیستم اعصاب مرکزی، بیماری‌های دستگاه تنفسی، امراض عفونی، سرطان ریه و حنجره، مشکلات قلب و کبد، نازایی، سقط جنین و ... هستند. تحریک پذیری عصبی، افسردگی، تندمزاجی، توهم، هذیان، و جنون آنی نیز از آسیب‌های روانی ناشی از آن به‌شمار می‌روند (معلمی، ۱۳۸۹: ۲۳۵؛ شریفیان، ۱۳۹۰: ۱۸۳؛ حجازی، ۱۳۸۸: ۱۰۱؛ عسگری، ۱۳۸۷: ۴۰؛ جلیلیان، ۱۳۸۵: ۷۸؛ دامغانی، ۱۳۸۳: ۹۴).

در حوزه خانواده نیز، اعتیاد باعث بروز مشکلاتی چون اختلال در روابط با شریک زندگی، همسرآزاری، کودک‌آزاری، طلاق و پیامدهای آن خواهد شد (محمدخانی، ۱۳۸۹: ۲۳۷). اعتیاد در سطح اجتماعی، بیماری‌های صعب‌العلاجی مانند ایدز و هپاتیت را اشاعه می‌دهد و یکی از دلایل مهم افزایش کودکان بی‌سرپرست و در نتیجه آن وفور معتادان آینده می‌شود. کارتن‌خوابی، تکدی‌گری، ولگردی و انحرافات حاصل از آن سیمای شهرها را زشت و امنیت جانی و روانی را از مردم سلب خواهد کرد. معتادان در عرصه اقتصاد، علاوه بر اتلاف مال خود و خانواده و ترویج بیکاری، با گسترش سطح تقاضای مواد مخدر از مافیای عرضه‌کنندگان،

سرمایه‌های کلان اقتصادی کشور را به نوعی در وافور اعتیاد دود می‌کنند. باید اذعان داشت در شرایطی که بخش عمده‌ای از مردم و نیروی فعال مملکت در خمودگی و خماری فرو می‌روند، آن کشور نمی‌تواند در معادلات سیاسی و تصمیمات جهانی تأثیرگذار باشد و به تدریج موضعش در جامعه جهانی تضعیف خواهد شد (رضائی نسب، ۱۳۸۶: ۲۵-۲۸؛ فرزین‌فر، ۱۳۸۴: ۱۱۳).

در طول تاریخ برای مقابله با اپیدمی مصرف مواد مخدر، در بیشتر کشورها از راهکار کیفری استفاده شده است. امروز نیز با وجود تعدیل این رویکرد و تغییر نگرش نسبت به فرد معتاد به عنوان بیماری که نیاز به درمان دارد، هنوز در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، اعتیاد جرم انگاشته شده و واکنش کیفری به همراه دارد. جرم دانستن اعتیاد به مواد مخدر، همچون سایر جرایم مندرج در قوانین کیفری، مستند به مبانی و اصولی بنیادی است که از سوی نظام‌های سیاسی با استناد به ایدئولوژی‌های پایه، اتخاذ می‌شود. اصول جرم‌انگاری، پایه‌های اساسی جرم‌انگاری است که بر مبانی نظری هر ایدئولوژی سیاسی و زیرساخت‌های فلسفی آن استوار شده است. به تعبیر دیگر، مبانی جرم‌انگاری ارائه‌کننده بسترهای فکری قانون‌گذار است و اصول جرم‌انگاری به ملاحظات حقوقی و اجرایی قانون‌گذار اشاره می‌کند که خود، تعیین‌کننده حدود و چگونگی حقوق کیفری است.

اصل اخلاق‌گرایی قانونی، اصل ضرر و اصل پدرسالاری حقوقی از جمله اصولی هستند که با مبانی جرم‌انگاری اعتیاد به مواد مخدر مطرح می‌شوند. حقوقدانان و صاحب‌نظران نیز، هریک به فراخور ایدئولوژی و مکتبی که به آن تعلق دارند، در توجیه جرم انگاشتن اعتیاد به مواد مخدر به مبانی خاصی استناد می‌کنند. در این تحقیق با تحلیل و بررسی نظرات موجود، پیرامون مبانی جرم‌انگاری اعتیاد به مواد مخدر، جایگاه اصل پدرسالاری در توجیه جرم‌انگاری اعتیاد و سوءمصرف مواد مخدر برجسته شده است. با توجه به اینکه اغلب کشورهای جهان با پیش‌فرض‌های متفاوت نسبت به جرم محسوب کردن سوءمصرف مواد مخدر اقدام کرده‌اند، تحلیل بنیادهای این روند، که در اسناد بین‌المللی نیز توجه به آن توصیه شده است، برای شناسایی و ترسیم مرزهای سیاست جنایی در خصوص سوءمصرف مواد مخدر اهمیت دارد.

بررسی پیشینه موضوع نشان می‌دهد، با وجود اینکه در خصوص سیاست جنایی مرتبط با جرایم مواد مخدر و اصول و مبانی جرم‌انگاری و تأثیر ایدئولوژی‌های سیاسی بر جرم‌انگاری، تحقیقات زیادی شده است، ولی همچنان مبانی جرم‌انگاری سوءمصرف و اعتیاد به مواد مخدر، که معمولاً به عنوان جرم فاقد بزه‌دیده شناخته شده، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این تحقیق، بعد از تعریف و توضیح مختصری راجع به اعتیاد به مواد مخدر و پیشینه جرم‌انگاری آن در قوانین داخلی و بین‌المللی، اصل پدرسالاری حقوقی در مقایسه با اخلاق‌گرایی و اصل ضرر، به عنوان مبانی اصلی جرم‌انگاری این رفتار به بحث و بررسی گذاشته شده است.

الف) مواد مخدر و پیشینه جرم‌انگاری آن

۱. اعتیاد به مواد مخدر (Drug Addiction)

با توجه به اینکه تعریف دقیقی از عبارت «مواد مخدر» وجود ندارد و قانون‌گذاران ملی و بین‌المللی تعریف مشخصی از مخدر ارائه نداده‌اند، در قانون‌گذاری در سطح ملی و بین‌المللی، شیوه خاصی مبتنی بر ارائه فهرستی از مواد مخدر مورد توجه قرار گرفته است که در صورت لزوم به آن مراجعه خواهد شد. البته این شیوه نیز از نظر کارآیی سیاست جنایی، مشکلات خاص خود را دارد. زیرا به صورت مداوم، مواد مخدر صنعتی با ترکیبات و نام‌هایی جدید در آزمایشگاه‌های مجهز در حال تولید است و با توجه به محدودیت‌ها و فرآیند طولانی وضع یا اصلاح قوانین، همواره قانون‌گذار و متولیان سیاست جنایی چند گام عقب‌تر از تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان مواد مخدر خواهند بود.

از دیگر بحث‌های مهم در این مورد، مصرف الکل و اعتیاد به آن است. آیا الکل ماده مخدر است یا خیر؟ و آیا مشروبات الکلی هم باید به فهرست مواد مخدر اضافه شوند؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت، علی‌رغم اینکه الکل و تریاک، هر دو موادی هستند که از حیث تأثیرات ناگوار بر جسم و روان افراد و از نظر آثار و پیامدهای مخرب فرهنگی و اجتماعی تا حد زیادی قابل مقایسه هستند، و با توجه به اینکه از منظر علمی و اصطلاحی نیز الکل در ردیف مواد مخدر آمده است (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۰: ۱۳۹)^۱ کماکان در سطح ملی و بین‌المللی در خصوص «الکل» سیاست جنایی متفاوتی حاکم است که دلایل تاریخی و فرهنگی خاص خود را دارد.^۲

از ویژگی‌های مشترک مواد مخدر و الکل این است که مصرف آن‌ها به صورت مطلق، مضر و زیان‌آور نیست، لذا تعبیر «سوءمصرف» در خصوص این‌گونه مواد مناسب‌تر است. در خصوص الکل به جرأت می‌توان گفت بهترین کلام، کلام وحی است که ضمن اشاره به منافع اندک آن،

۱. دانشنامه جرم‌شناسی در ذیل واژه اعتیاد به مواد مخدر (Drug addiction) مواد مشروح زیر را مواد مخدر تلقی کرده است:

- مواد مخدر متداول: قهوه، چای، تنباکو، مواد دارویی محرک مانند آمفتامین یا آرام‌بخش مانند باربیتوریک
- الکل و سایر مواد مخدر که منجر به مستی می‌شوند مانند اتر
- تریاک و مشتقات آن: مرفین و هرویین
- مواد مخدر از خود بی‌خودکننده مانند کوکائین، مواد مشتق از شاهدانه هندی از قبیل ماری‌جوانا و حشیش و ...
۲. برای مطالعه بیشتر رک. حسن طغرانگار، ۱۳۹۲، مرزهای شکننده سیاست جنایی مواد مخدر، دایره‌المعارف علوم جنایی، کتاب دوم، صص ۱۱۶۰- ۱۱۷۴

مضرات الکل را بیش از منافع آن دانسته است.^۱ در مورد خواص دارویی و تسکین‌دهنده مواد مخدر، از جمله تریاک، به عنوان ماده اصلی و قدیمی که از طریق کشت خشخاش و به صورت طبیعی حاصل می‌شود، تردیدی وجود ندارد. مصرف مواد مخدر، در گذشته جنبه دارویی و پزشکی داشته و معضلی فردی و اجتماعی نبوده است. اما به تدریج با افزایش تعداد معتادان^۲ و با آشکار شدن مضرات و عوارض اعتیاد، ممنوعیت‌هایی در این زمینه ایجاد شد. مواد مخدر و اعتیادآور، در قوانین کیفری فعلی ایران، مطابق مواد ۴ و ۸ اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۸۹؛ بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیر، سوخته، تفاله تریاک، هرویین، مرفین، کوکائین و سایر مواد مخدر و یا روانگردان‌های صنعتی غیردارویی هستند.^۳

جرم‌های مرتبط با مواد مخدر پیچیده و گوناگون است. به این جهت پدیده مواد مخدر امروزه به عنوان یکی از شاخه‌های حقوق جنایی فنی و خاص مطرح است. جرایم مواد مخدر را می‌توان حداقل در سه گروه: مصرف و اعتیاد، قاچاق و جرایم مرتبط با مصرف و قاچاق دسته‌بندی کرد. مصرف یا استعمال مواد مخدر، ساده‌ترین و سنتی‌ترین نمود این پدیده است که از طریق کشیدن، خوردن و تزریق اتفاق می‌افتد. هرگاه مصرف مواد در اثر تکرار، به وابستگی بدنی یا روانی فرد به ماده مخدر منجر شود به شخص مصرف‌کننده «معتاد» گفته می‌شود. اعتیاد عموماً به وابستگی‌های انسان به هر چیز سمی یا به هر دارو یا ماده طبیعی یا ترکیبی که برای بدن غیر ضروری باشد، اطلاق می‌شود. به گونه‌ای که ترک آن به آسانی قابل تحمل نباشد (کی‌نیا، ۱۳۷۳: ۱۵۳). اعتیاد در اثر تکرار استعمال حاصل می‌شود و شخص برای تأمین لذتی که از استعمال حاصل می‌شود، هر بار بر مقدار مصرف خود می‌افزاید و بدن او به آن ماده وابستگی پیدا می‌کند. وابستگی جسمانی از طریق ناراحتی و تشویش ناشی از محرومیت از ماده مخدر آشکار می‌شود و وابستگی روانی در قالب دل‌بستگی و میل مقاومت‌ناپذیر نسبت به استعمال ماده مخدر متجلی می‌شود (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۰: ۱۳۸). در ادبیات حقوقی، میان مصرف مواد مخدر و اعتیاد به آن تفاوتی نیست، ولی بی‌تردید تمایز میان این دو از منظر

۱. یسنلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس و اثمهما اکثر من نفعهما (بقره: ۲۱۹): از تو درباره شراب و قمار می‌پرسند بگو در آن دو گناه بزرگ است و منافی هم برای مردم دارد ولی گناه آن دو از سود آن‌ها بیشتر است.

۲. در خصوص ابهام‌ها در آمار و تعداد مصرف‌کنندگان مواد مخدر در ایران: نک. حسام‌الدین تفرشی، مجله علوم پزشکی رازی، سال بیست و سوم، شماره ۲، اسفند ۹۰، صص ۴۸ - ۵۶.

۳. ماده ۴ قانون مذکور اعلام می‌دارد: «هرکس بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیر، سوخته، تفاله تریاک و یا دیگر مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی که فهرست آن‌ها به تصویب مجلس شورای اسلامی...» همچنین ماده ۸ قانون فوق‌الذکر به موارد بیشتری اشاره می‌کند: «هرکس هرویین، مرفین، کوکائین و دیگر مشتقات شیمیایی مرفین و کوکائین و یا ال.اس.دی، اکستازی، جی.اچ.بی، شیشه و دیگر مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی...»

حقوقی و جرم‌شناختی اهمیت دارد. در حقوق جنایی، اعتیاد به مواد مخدر می‌تواند با جرم‌هایی اعتیادی پیوند بخورد که برای تحقق آن تکرار رفتار مجرمانه لازم است. از دیدگاه جرم‌شناسی نیز اعتیاد، به منزله وصف رفتار بزهکاران معتاد، نمایان‌گر حالاتی خطرناک است که می‌تواند زمینه‌ساز جرم‌هایی دیگر باشد، مانند سرقت، ضرب و جرح و جرایم جنسی (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۱۷۱). اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶، ضمن پذیرفتن تمایز میان مصرف و اعتیاد، هر دو را جرم‌انگاری کرده است.

۲. جرم‌انگاری اعتیاد به مواد مخدر

در خصوص پدیده مصرف و اعتیاد به مواد مخدر تلقی‌های متفاوتی در جوامع بشری وجود دارد. به طور کلی، سیاست‌گذاری برای مقابله با اعتیاد، از سرکوب کیفری و عدم مدارا تا آزادی کامل، به همراه تدابیری بینابین در کشورهای مختلف آزمایش شده است (رحمدل، ۱۳۸۳: ۲۰۳). در مجموع می‌توان رویکرد قانونمندی‌سازی و جرم‌زدایی (مانند هلند، آلمان، اتریش، فنلاند و یونان) و جرم‌انگاری (ایران، فرانسه، ترکیه و بلژیک) را به عنوان رویکردهای غالب مطرح کرد. در ایران، به‌خصوص در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، علی‌رغم نگرش‌هایی چون بیمار بودن فرد معتاد و لزوم معالجه او، رویه غالب، برخورد کیفری بوده است و تصور غالب، با استناد به قوانین تصویب شده، لزوم برخورد قهرآمیز با معضل اعتیاد بوده است، که در ادامه، تحولات این حوزه را بررسی می‌کنیم:

۲.۱. جرم‌انگاری اعتیاد به مواد مخدر در قوانین داخلی

جرم استعمال مواد مخدر و مشروبات الکلی با قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ وارد قوانین کیفری ایران شد.^۱ قوانین اولیه مربوط به مواد مخدر خفیف‌تر بوده و فقط استعمال علنی این مواد را جرم می‌دانست^۲، تا اینکه در قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب ۱۳۳۴، استعمال مواد مخدر به طور کلی ممنوع شناخته شد.^۳ این روند هم‌چنان در قوانین و

۱. ماده ۲۷۵ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴: «۱- هرکس علناً استعمال تریاک یا شیریه یا مرفین یا هرویین یا کوکابین یا بنگ و یا چرس بنماید یا متجاهراً مشروبات الکلی استعمال کند به حبس تأدیبی از هشت روز تا سه ماه و یا جزای نقدی ۱۰ تا ۵۰ تومان محکوم خواهد شد. ۲- ... ۳- ... ۴- ... ۵- ...».

۲. ماده ۲۷۵ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ در تاریخ ۱۳۲۸/۴/۷ اصلاح و استعمال علنی تریاک، شیریه تریاک، مرفین، هرویین، کوکابین، بنگ و چرس جرم شناخته شد و مجازات استعمال مواد مزبور به حبس از سه تا شش ماه افزایش یافت، اما قانون‌گذار همچون گذشته صرفاً استعمال علنی این مواد را جرم می‌دانست. مفهوم مخالف ماده مذکور آن بود که استعمال غیرعلنی مواد مزبور جرم تلقی نمی‌شد.

۳. قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک در تاریخ ۱۳۳۴/۸/۷ به تصویب رسید. طبق ماده ۳ این قانون، استعمال مواد افیونی به طور کلی (علنی و غیر علنی) از شش ماه پس از تصویب آن ممنوع شناخته شد و

اصلاحیه‌های سال ۱۳۵۹، ۱۳۶۷، ۱۳۷۶ و ۱۳۸۹ پس از انقلاب اسلامی ادامه پیدا کرده است. با این تفاوت که در مقررات بعد از انقلاب به دلیل سیاست جنایی خاص جرایم حدی و اینکه مصرف مسکرات مستلزم مجازات حدی است، مقررات متفاوتی در خصوص مسکرات وضع شده است.^۱ اعتیاد به مواد مخدر، طبق ماده ۱۵ اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ و نیز اصلاحات به عمل آمده در سال ۱۳۸۹، جرم محسوب می‌شود. با این تفاوت که تا قبل از اصلاحات ۱۳۸۹، در ماده ۱۶ و ۱۹ برای معتادانی که نسبت به درمان خود اقدام نمی‌کنند، جزای نقدی و شلاق در نظر گرفته شده بود در حالی که در ماده ۱۵، بعد از اصلاحات، معتادان مکلف شدند با مراجعه به مراکز دولتی و خصوصی و یا سازمان‌های مردم‌نهاد، گواهی ترک اعتیاد و درمان یا کاهش آسیب دریافت کنند.

مطابق این ماده، اگر معتادی گواهی مذکور را دریافت نکند یا با وجود دریافت آن تظاهر به اعتیاد کند، مجرم محسوب شده و مشمول مجازات ماده ۱۶ قرار می‌گیرد. در این قانون، یک تا سه ماه حبس در مراکز نگهداری مجاز دولتی، جهت کاهش آسیب و درمان معتاد، پیش‌بینی شده است. مدت زمان مذکور طبق گزارش مراکز مذکور و دستور مقام قضایی به طور نامحدود قابل تمدید خواهد بود. در تبصره ۲ این ماده، یک تعلیق تعقیب ۶ ماهه در نظر گرفته شده است و اگر مقررات آن دوره رعایت نشود، مطابق تبصره ۳، مقام قضایی مکلف است از نود و یک روز تا شش ماه دستور به حبس دهد.^۲ با مقایسه اصلاحات اخیر قانون با تدابیر ماقبل آن

برای استعمال کنندگان بدون مجوز طبی مواد افیونی، طبق ماده ۹ آیین‌نامه اجرایی مجازات متخلفین از قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب آبان ۱۳۳۴، برای بار اول مجازات حبس تأدیبی از یک ماه تا دو ماه و در صورت تکرار از سه تا شش ماه و در دفعات بعد از یک سال تا سه سال تعیین شد.

۱. جدیدترین مقرره در این خصوص ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است که با ادبیات متفاوتی آورده است: مصرف مسکر از قبیل خوردن، تزریق و تدخین کم باشد یا زیاد جامع باشد یا مایع مست کند یا نکند..... موجب حد است.

۲. ماده ۱۵ قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۶: «اعتیاد جرم است. ولی به کلیه معتادان اجازه داده می‌شود به مراکز مجازی که از طرف بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مشخص می‌گردد مراجعه و نسبت به درمان و بازپروری خود اقدام نمایند.» در تبصره ۱ این ماده ذکر شده: «معتادان مذکور در طول مدت درمان و بازپروری از تعقیب کیفری جرم اعتیاد معاف می‌باشند.»

ماده ۱۵ قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۶ بعد از اصلاحات ۱۳۸۹: «معتادان مکلفند با مراجعه به مراکز مجاز دولتی، غیردولتی یا خصوصی و سایر سازمان‌های مردم‌نهاد درمان و کاهش آسیب، اقدام به ترک اعتیاد نمایند. معتادی که با مراجعه به مراکز مذکور نسبت به درمان خود اقدام و گواهی تحت درمان و کاهش آسیب دریافت نماید، چنان‌چه تظاهر به اعتیاد نماید از تعقیب کیفری معاف می‌باشد. معتادانی که مبادرت به درمان ننمایند، مجرمند.»

ماده ۱۶ قانون مذکور: «معتادان به مواد مخدر و روان‌گردان مذکور در دو ماده ۴ و ۸ فاقد گواهی موضوع ماده ۱۵ و متجاهر به اعتیاد، با دستور مقام قضایی برای مدت یک تا سه ماه در مراکز دولتی و مجاز درمان و کاهش آسیب نگهداری می‌شوند، تداوم درمان وفق ماده مزبور بلامانع است.»

می‌توان گفت که قانون‌گذار در برخورد خود انعطاف بیشتری نشان داده و در اقدامات بعدی با تبدیل مجازات به اقدامات تأمینی نوعی کیفرزدایی یا جرم‌زدایی ناقص (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۰: ۹۰) اتخاذ کرده است.

۲.۲. جرم‌انگاری اعتیاد به مواد مخدر در حقوق بین‌المللی

جامعه جهانی، از اوایل قرن بیستم میلادی، به علت گسترش مشکلات ناشی از مصرف مواد مخدر مخصوصاً افزایش صادرات تریاک از شرق به غرب و درک تدریجی مضرات مشتقات تریاک به ویژه هرویین، در سطح بین‌المللی، شروع به مداخله در این امر کرد. کنفرانس شانگهای در سال ۱۹۰۹م^۱، اولین مورد دخالت جامعه جهانی در این خصوص است، یعنی ممنوعیت مصرف مواد مخدر برای هر منظوری غیر از اهداف پزشکی (رحمدل، ۱۳۸۳: ۲۰۵). پس از آن، کنفرانس‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی متعددی در سال‌های مختلف تصویب و در سال ۱۹۶۱م کنوانسیون واحدی شامل مفاد کنوانسیون‌های قبلی، تصویب شد.^۲ در نهایت در سال ۱۹۸۸م کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روانگردان به امضای ۱۰۸ کشور عضو سازمان ملل و سازمان‌های تخصصی ذی‌ربط رسید.^۳ که طی آن از دولت‌ها خواسته شده است، استعمال مواد مخدر را جز در موارد پزشکی ممنوع کنند. تقریباً در همه کشورهای دنیا، جز در جاهایی مانند هلند، اسپانیا و ایتالیا که در آن، مصرف برخی مواد سبک آزاد است، مواد مخدر زیر نظر کامل دولت‌ها بوده و استعمال آن، از هر نوع، ممنوع است و جرم تلقی می‌شود (رحمدل، ۱۳۸۲: ۲۰۷). نکته مهم اما سیاست جنایی دوگانه کشورهای بزرگ و قدرتمند غربی در خصوص مصرف الکل و مواد مخدر است. به تعبیر یکی از نویسندگان، با وجود اینکه الکل اولین ماده مخدری بود که از لحاظ اجتماعی به یک معضل بزرگ برای کشورهای غربی تبدیل شده بود، نخستین ماده مخدری که به ابتکار و فشار غربی‌ها در حقوق بین‌الملل ممنوع شد تریاک است (طفرانگار، ۱۳۹۲: ۱۱۶۴). به گونه‌ای که در اسناد بین‌المللی ناظر بر جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر، تریاک از شاخص‌های فهرست مواد مخدر محسوب می‌شود. در این میان، الکل جزو مواد مخدر مغفول محسوب می‌شود (همان). این در حالی است که آن دسته از نویسندگان غربی اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم که به بررسی و مقایسه آثار زیان‌بار الکل و تریاک پرداخته‌اند، به نتایج مخرب این دو اشاره و حتی بار منفی بیشتری به الکل می‌دادند. یکی از نویسندگان غربی در این خصوص تصریح کرده است که «در همه ادوار افرادی فارغ از آنکه ماده مخدر کولا، حشیش،

1. 1909 Shanghai Conference.

2. SINGLE CONVENTION ON NARCOTIC DRUGS, 1961.

۳. جمهوری اسلامی ایران بر اساس ماده واحد قانون الحاق به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان مصوب آذرماه سال ۱۳۷۰ به این کنوانسیون ملحق شده است.

تریاک، الکل، اتر یا مرفین باشد، برای فرونشاندن احساس خوشی و لذت آنی به برخی مواد مؤثر بر جسم و روان، پناه برده‌اند. انگیزه‌ای که افراد را به سمت این مواد می‌کشاند، هم‌چنین عوارض این مواد، با یکدیگر همسانند.» (Thibout, 1912: 6) به نقل از طفرانگار، ۱۳۹۲: ۱۱۷۰). برخی دیگر از نویسندگان، با اطلاق «داوطلبان خوشبختی مسموم» به مصرف‌کنندگان الکل و تریاک، این سموم را به سموم غربی و سموم شرقی تقسیم کرده‌اند. منظور آن‌ها از سموم غربی، الکل و کوکایین بود که عمدتاً محصول خود غرب بودند و تریاک و حشیش را که در غرب تولید نمی‌شد، سموم شرقی نام نهادند. این نویسندگان به ویژگی‌های متفاوت الکل و تریاک در دو وجه آرامش‌بخشی و آسودگی، و تحریک خشونت اشاره و اذعان داشتند که الکل به طور خاص یک محرک جسمانی و تریاک یک برانگیزاننده ذهنی است و از این منظر آسیب تریاک برای فرد و خطر آن برای اجتماع کمتر است (همان). در مجموع این سؤال مهم و جالب هم‌چنان برجاست که چرا غربی‌ها سمّ غربی را بر سمّ شرقی ترجیح دادند و الکل از فهرست مواد ممنوع و غیرقانونی کنار گذاشته شد و منافع اقتصادی و ژئوپولیتیک کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده، چه اندازه (طفرانگار، ۱۳۹۲: ۱۱۷۲) در این خصوص تأثیرگذار بوده است؟ از دیگر سو، با وجود جرم‌انگاری بین‌المللی مواد مخدر و ضمانت اجرای بسیار سختگیرانه ملی برای تولید، قاچاق و مصرف مواد مخدر کماکان این سؤال باقی است که چرا در ایران مصرف مواد مخدر در آمارهای پلیسی و قضایی بسیار بیش از الکل است؟ پاسخ به این سؤال در قسمت تولید و قاچاق این مواد قابل درک و توجیه است، و با توجه به اینکه ایران در مرکز تولید و ترانزیت مواد مخدر است، بالا بودن مصرف مواد مخدر نسبت به الکل، موضوعی است که نیاز به بررسی‌های دقیق اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و قضایی دارد.^۱

ب) مبنای جرم‌انگاری اعتیاد به مواد مخدر

در حیطه جرم‌انگاری، صرف‌نظر از رفتارهایی که در گروه جرایم طبیعی قرار می‌گیرند و مجازات آن‌ها حتی در جوامع بدوی هم وجود داشته است و مایه شباهت نظام‌های کیفری هستند، اکثر جرایم بر اساس پندارها و ایدئولوژی حاکم بر هر جامعه شناسایی و از طرف حکومت گزینش می‌شوند. بنابراین جرم‌انگاری مبتنی بر مبانی نظری، مورد قبول حکومت یا قدرت سیاسی است. رفتار پیش‌گفته با توجه به ایدئولوژی حاکم بر انسان و سرشت او و مفاهیمی همچون آزادی، مساوات، عدالت، قدرت و امنیت، گزینش شده و برای آن ضمانت اجرای کیفری مقرر

۱. برای مطالعه نقش خرده‌فرهنگ‌ها و آداب و باورهای عامیانه مصرف مواد مخدر در میان اقوام ایرانی: نک. صدیق شفیعی سروستانی، هنجارهای تسهیل‌کننده مصرف مواد مخدر (تریاک و نظایر آن) در میان اقوام ایرانی، فصل‌نامه دانش انتظامی، سال دهم، شماره دوم، صص ۸۶-۱۰۳

می‌شود. با افزودن این نکته که در نظام‌های سیاسی دینی، حقوق کیفری متأثر از الزامات ناشی از آموزه‌های دینی و وحی الهی هستند، باید اذعان داشت که جرم‌انگاری در حوزه ارزش‌های اساسی دینی به معنای بیان، اعلام و قانون‌گذاری جرایم و مجازات‌های شرعی خواهد بود (آقابابایی، ۱۳۸۶: ۳۶-۳۷).

در خصوص مبنای جرم‌انگاری اعتیاد به مواد مخدر و تأثیر ایدئولوژی‌های حاکم بر آن، نظرات مختلفی وجود دارد. اصل اخلاق‌گرایی قانونی، اصل ضرر و اصل پدربسالاری حقوقی در این زمینه قابل ذکر هستند. با اشاره به نظرات مختلف در مورد مبنای جرم‌انگاری اعتیاد، به دیدگاه مورد نظر نگارندگان می‌پردازیم.

۱. اعتیاد به مواد مخدر و نقض قواعد اخلاقی

اخلاق‌گرایی قانونی، به معنای بهره‌برداری از ضمانت اجرای حقوقی است و در بحث ما مجازات، به منظور حفظ و ترویج فضایل و موازین اخلاقی است. رویکرد معتدل اخلاق‌گرایی قانونی معتقد است که اخلاق متعارف، موجب تداوم و استحکام جامعه است و نقض این اصول اخلاقی باعث اخلال در نظم و انسجام جامعه می‌شود. لرد دولین از مدافعان این دیدگاه است. از نظر وی «استانداردهای رفتاری و اصول اخلاقی معینی وجود دارد که نیاز است برای حمایت از جامعه رعایت شوند و نقض آن‌ها، فقط یک گناه و جرم علیه شخص نبوده، بلکه علیه جامعه به عنوان یک کل است» (Devlin, 1970, p.7). اگرچه اخلاق‌گرایان در بیان مفهوم اخلاق متعارف و ملاک تعیین آن و اینکه کدام حکم اخلاقی نیازمند حمایت حقوقی است اختلاف نظر دارند، اما در این موضوع اشتراک نظر وجود دارد که: «حقوق کیفری آن‌گونه که ما می‌شناسیم، مبتنی بر اصلی اخلاقی است و در تعدادی از جرایم، کارکرد آن صرفاً اجرای یک اصل اخلاقی است.» (Ibid).

هر چند اخلاق‌گرایی در معنای محدود خود، حفظ و پاسداشت اخلاقیات جامعه را مد نظر دارد، آن‌چه می‌تواند مبنای دیدگاه اخلاق‌گرایان در حمایت از اخلاق جامعه باشد، این است که: یکی از وجوه همبستگی اجتماعی وجود باورهای اخلاقی مشترک در جامعه است و چون حقوق کیفری باید از همزیستی مسالمت‌آمیز و پایه‌ها و ارکان همبستگی اجتماعی حمایت کند، لذا حمایت از اخلاقیات نیز از جمله کارکردهای حقوق کیفری است. بر این اساس، چون سوءمصرف مواد مخدر به فرد ضرر می‌زند و قرار دادن جان خود در معرض خطر اعتیاد، از بین‌بردن تدریجی آن است و این امر از نظر اخلاقی مذموم است، حقوق کیفری می‌تواند در راستای صیانت از نفس انسانی، نسبت به جرم‌انگاری اعتیاد اقدام کند.

کمال‌گرایی عقیده دیگری است که حمایت از اخلاقیات جامعه را با ضمانت اجرای کیفری توجیه می‌کند. این دیدگاه هرچند مورد انتقاد لیبرال‌هایی مانند میل و طرفداران وی است، در

ایدئولوژی دینی و در فرهنگ اسلامی قابل فهم است. از منظر آموزه‌های اسلامی، کمال انسان از طریق آراستگی به فضایل و دوری از رذایل و عمل به دستورات شریعت کمال مطلوب انسان با ایمان است. به عبارت دیگر در تفکر دینی، ارزش رقیب که آزادی مورد نظر لیبرال‌هاست، «فی نفسه مطلوب مطلق و هدف نیست بلکه آزادی در حقیقت برخوردار از نیروی خلاقه حیات است تا آدمی بتواند به وسیله آن به حیات معقول نایل گردد.» (جعفری، ۱۳۷۰: ۴۵۵). در همین زمینه استاد مطهری دیدگاه برخی متفکران دینی را نقل می‌کند که هر چیزی که نیروهای کمالی انسان را راکد کند و او را در زنجیر قرار دهد احترام ندارد و باید آن زنجیر را ولو به زور از دست و پای انسان‌ها باز کرد. بر اساس این دیدگاه، غلط بودن رفتار و ممانعت از کمال و بالندگی، صرف‌نظر از اینکه برای دیگران مضر است یا نه، برای مداخله نظام حقوقی کافی است. استعمال مواد مخدر و الکل که به جسم و جان انسان صدمه می‌زند و بر هوشیاری وی اثر ناخوشایند می‌گذارد و به خصوص با اعتیاد به آن، فرد از گردونه فعالیت‌های مولد اجتماعی خارج می‌شود، وظیفه حقوق کیفری است و می‌بایست از شخصیت افراد محافظت کند.

۲. اعتیاد به مواد مخدر و ایراد ضرر به دیگران

مطابق این دیدگاه، معتاد به مواد مخدر با عمل خود به دیگران ضرر می‌زند و این دلیل موجهی است برای اینکه با اعتیاد برخورد سرکوبگرانه و کیفری داشته باشیم. در این دیدگاه گفته می‌شود که خانواده معتاد از بزه‌دیدگان مستقیم هستند. طرفداران این نظر معتقدند به سختی می‌توان این سخن را پذیرفت که در این جرم بزه‌دیده‌ای وجود نداشته باشد، زیرا علی‌رغم اینکه تعریف بزه‌دیده کسی است که مستقیماً از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شده است، لکن در بسیاری از موارد، بزه‌دیدگان دیگری هم وجود دارند. از نظر برخی محققان، بزه‌دیدگان مستقیم اعتیاد، در وهله نخست شخص معتاد و در درجه دوم خانواده او هستند. کشور در تمام ابعاد اقتصادی و فرهنگی و امنیتی خود و در محدوده‌ای وسیع‌تر، بشریت و همه آرمان‌های عالیش بزه‌دیده غیرمستقیم خواهند بود (توجهی، ۱۳۷۹: ۳۱۸). هم‌چنین در این زمینه گفته می‌شود مصرف‌کننده مواد مخدر و مبتلابه اعتیاد وقتی نتواند از خانواده خود مراقبت کند و مخارج آن‌ها را بپردازد، جامعه با بر عهده گرفتن حمایت این اشخاص متحمل هزینه و ضرر خواهد شد. ضمن اینکه فرد برای حفظ سلامت خود (که به واسطه مصرف مواد، به خطر می‌افتد) از خدمات گران‌قیمت پزشکی استفاده می‌کند. خدماتی که متعلق به جامعه است و می‌تواند در جایی دیگر مورد استفاده عموم قرار گیرد (کلارکسون، ۱۳۷۱: ۲۳۰).

از نگاهی دیگر، خسارت در مفهوم کلی اعم است از خسارات مادی، معنوی، جسمانی و منافع فوت شده. خسارت معنوی، بخش وسیعی از مفاهیم و مصادیق را در برمی‌گیرد که عبارت از ضررهای وارده به آبرو، شهرت، احساسات و عواطف و علائق اخلاقی و خانوادگی است

(آشوری، ۱۳۸۴: ۲۵۷-۲۶۱). فرد معتاد علی‌رغم اینکه به حسب ظاهر مصرف‌کننده مواد مخدر است و به جسم و جان خود آسیب می‌زند، تأثیرات منفی و صدمات بسیاری نیز به خانواده و بستگان مرتبط وارد می‌کند. در این خصوص حتی برخی از لیبرال‌ها نیز این جرم را از دریچه ضرر به دیگران توجیه می‌کنند و معتقدند معتاد به مواد مخدر همچون باری بر دوش دیگران تحمیل می‌شود (Ashworth, 1992: 24). احساسات اخلاقی جامعه نیز صرف‌نظر از رفتارهای مجرمانه یا غیراخلاقی که یک معتاد در اثر اعتیاد ممکن است انجام دهد، با دیدن معتاد یا مصرف مواد توسط او جریحه‌دار خواهد شد (رحمدل، ۱۳۸۲: ۲۱۰).

۳. اعتیاد به مواد مخدر و پدرسالاری حقوقی

پدرسالاری حقوقی^۱ یکی دیگر از مبانی جرم‌انگاری است که در جرم‌انگاری سوءمصرف مواد مخدر قابل طرح است. اعتقاد به پدرسالار بودن و مبنای جرم تلقی کردن اعتیاد به مواد مخدر، به گونه‌های متفاوت در دیدگاه‌های لیبرالیستی، اخلاق‌گرا و دینی مورد بحث قرار گرفته است.

۱. «paternalism» که از کلمه لاتین «Pater» مشتق می‌شود به معنی «مثل یک پدر عمل کردن» یا «با شخص دیگری مثل یک بچه رفتار کردن» است (سایر، ۱۳۸۸: ۳۷۵). پدرسالاری حقوقی در اصطلاح عبارت است از: اجبار دولت برای حفظ اشخاص از صدمه رساندن به خودشان یا شدیدتر از آن، واداشتن آن‌ها به عمل کردن برای منافع خودشان در قالب جرم‌انگاری (همپتن، ۱۳۸۰: ۱۹۷؛ موراوتز، ۱۳۸۷: ۱۷۶). فینبرگ پدرسالاری حقوقی را به منزله دلیلی می‌داند که بر اساس آن، اعمال افراد که باعث ضررهای بدنی، روانی یا اقتصادی می‌شوند، جرم‌انگاری می‌شوند (Feinberg, 1990, p. x). به نظر ایشان، جوهر پدرسالاری حقوقی مبتنی بر نیک‌خواهی برای شهروندان است و مفاد چنین تفکری آن است که من صلاح تو را بهتر از تو می‌دانم (Feinberg, 1986, p.23). پدرسالاری که ممکن است به صورت ایجابی (تعیین ضمانت اجرای کیفری برای الزام به امری مانند پوشش خاص) و یا سلبی (الزام به ترک فعلی مانند منع مصرف مشروبات الکلی) صورت بگیرد، در مواردی رفاهی و در مواردی اخلاقی است (Moral and Welfare Paternalism). در شکل رفاهی پدرسالاری، حمایت از مصالح شخص مانند بالا بردن سطح وضعیت زندگی و به ویژه شرایط جسمی و روحی او مورد نظر است، حال آنکه پدرسالاری اخلاقی به انگیزه دفاع از وضعیت اخلاقی فرد صورت می‌گیرد. تفاوت این نوع پدرسالاری با اخلاق‌گرایی قانونی آن است که در اخلاق‌گرایی، مبنای مداخله، ورود ضرر به مرتکب یا دیگری نیست، بلکه مبنای ممنوعیت رفتار، نادرستی عمل به خودی خود است (Dworkin, 2010, p.7). در شکل‌بندی دیگری، پدرسالاری به دو گونه نرم و سخت تقسیم شده است (Soft and Hard Paternalism). پدرسالاری نرم به این موضوع اشاره دارد که جامعه و دولت در موارد و حالاتی می‌توانند به عنوان منع از ضرر به خود، طوری آزادی اراده افراد را محدود کنند که رفتار موردنظر، نتیجه تامل عقلانی خود فرد نباشد. مثال این مورد، هنگامی است که استوارت میل هم که به شدت طرفدار آزادی اراده است، اجازه مداخله در آزادی فرد را داده و می‌گوید اگر پلیس یا هر فرد دیگری ببیند شخصی که می‌خواهد از پلی عبور کند که کاملاً مشخص است که نایمن است و فرصتی نبوده که این مسئله به او گوشزد شود، آن مأمور یا هر فرد دیگر می‌تواند دست او را بگیرد و برگرداند بدون اینکه تجاوزی واقعی به اراده او شده باشد (گری، ۱۳۷۹، ۱۷۰). به تعبیر دیگر، پدرسالاری نرم تنها در حالتی توجیه می‌شود که رفتار آسیب‌رسان به خود شخص، از روی اراده یا آگاهی و یا تأمل عقلانی نباشد. در حالی که در پدرسالاری سخت این تفاوت در نظر گرفته نمی‌شود (Feinberg, 1986, pp.12-16).

لیبرال‌ها با تمرکز بر حقوق و آزادی‌های فردی معتقدند، از آن‌جا که مبنای جرم‌انگاری اعتیاد به مواد مخدر پدرسالاری حقوقی است، باید از آن جرم‌زدایی شود. از دید این عده، انسان آزاد آفریده شده و باید آزادانه عمل کند و محدوده آزادی او بسیار وسیع و شامل جسم و جان و مال و متعلقات خود بوده و تنها خط قرمز آزادی او «اضرار به غیر» است. یعنی تا جایی که آزادی عمل انسان لطمه و صدمه‌ای به حقوق دیگران وارد نکند، مورد حمایت است (میل، ۱۳۸۸: ۲۷). از نظر میل، آزادی عمل ما در مورد کارهایی که صرفاً به خود ما مربوط است نامحدود است، تنها هدفی که اعمال صحیح قدرت را علیه آزادی اعضای یک جامعه متمدن توجیه می‌کند، جلوگیری از ایراد ضرر به دیگری است. خیر و صلاح شخصی، خواه مادی یا معنوی، توجیه کافی برای جرم‌انگاری نیست. وقتی به اعمالی می‌رسیم که نتیجه آن به دیگران سرایت می‌کند، آزادی ما محدود می‌شود. ما آزاد نیستیم کارهایی بکنیم که موجب زیان و آسیب دیدن دیگران شود و اگر چنین آسیب و زبانی به دیگران برسانیم جامعه حق مداخله و حق تنبیه و کیفر دادن ما را خواهد داشت (میل، ۱۳۸۸: ۲۶). بونی اشتاین باک (Bonnie Steinbock) در مورد محدود شدن آزادی افراد بر اثر ممنوعیت مصرف مواد مخدر، می‌گوید، در جامعه آزاد هیچ‌کس نباید این حق را داشته باشد که خوب و بد بودن چیزی را به دیگری دیکته کند و شخص آزاد است که به هر نحوی که بخواهد با تمامیت جسمانی خود رفتار کند (Ostrowski, 1990: 607). والتر بلاک (Walter Block) از طرفداران جرم‌زدایی از مواد مخدر ابراز می‌دارد که افراد بالغ باید این آزادی را داشته باشند که همه انواع مواد مخدر را مصرف کنند. بلاک می‌پذیرد که جرم‌زدایی از مواد مخدر و مصرف آزادانه آن برای سلامتی افراد مضر است، اما آن را دلیلی موجه برای برخورد کیفری با شهروندان نمی‌داند (Brown, 1994, 233). آنها به ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر استناد می‌کنند که: «زندگی خصوصی، امور شخصی و خانوادگی و ... نباید مورد مداخلات خودسرانه واقع شود». مقررات مربوط به جرایمی چون اعتیاد، تهدیدی جدی علیه خلوت افراد محسوب می‌شود. تعقیب و کشف جرایمی چون اعتیاد که در آن خسارتی به کسی وارد نمی‌شود و بزه‌دیده‌ای مخاطب جرم قرار نمی‌گیرد، موجب عملیاتی می‌شود که نقض حریم خصوصی افراد را به دنبال دارد. کنترل رفت و آمدها و استفاده از تجهیزات مخابراتی جهت نظارت و استراق سمع شهروندان و اموری از این قبیل باعث ایجاد فضای امنیتی و پلیسی در جامعه خواهد شد (Heal&Laycock, 1988, p.236-245). بر مبنای چنین دیدگاهی، انسان باید بتواند آزادانه مواد مخدر مصرف کند و اصولاً، نه دولت و نه اشخاص دیگر حق ندارند وی را از چنین اقدامی منع کنند.»

پس با توجه به اینکه نگرانی اصلی طرفداران ایدئولوژی لیبرال بر کاهش دامنه آزادی فردی در برابر قدرت فائقه دولت است و اینکه دولت به بهانه کمک به فرد و حفظ مصلحت او قلمرو آزادی‌های وی را کاهش می‌دهد و با وجود آگاهی به مخاطرات گرفتار شدن در گرداب

مرگبار مواد مخدر و اعتیاد، با اعتمادی که به حق انتخاب انسان آزاد دارند، از دولت می‌خواهند اجازه دهد تا انسانی که انتخاب نامناسبی کرده است، سرش به سنگ بخورد، ولی با قوه الزام و اجبار کیفری در صدد به بهشت بردن او برنیایند. در مجموع می‌توان گفت طرفداران ایدئولوژی لیبرال بدبینانه‌ترین نگاه را نسبت به پدرسالاری دارند. هرچند به شکل تناقض آمیزی به برخی موارد پدرسالاری اعتراف کرده‌اند. نگاه آیزایا برلین به پدرسالاری شاید واگویه این نگاه بدبینانه باشد: «حکومت‌های پدرسالار هرچه هم حسن نیت داشته باشند و از سر احتیاط و بی‌طمعی و عقل حرکت کنند، سرانجام متمایل به این دیدگاه می‌شوند که بیشتر مردمان را به صورت صغار و محجورین و قاصرین بنگرند که یا علاج‌ناپذیرند یا آهنگ رشد آن‌ها چندان کند است که آزادسازی آن‌ها در آینده‌ای که بتوان به روشنی پیش‌بینی کرد، میسر نیست. یعنی در عمل می‌خواهند بگویند که این مردم هیچ‌گاه به مرحله رشد نخواهند رسید. این روشی است که انسان‌ها را به پستی می‌کشاند (برلین، ۱۳۸۰: ۷۹).

از طرف دیگر، اخلاق‌گراها و کسانی که آموزه‌های دینی و مذهبی را در جرم‌انگاری دخالت می‌دهند، ضمن تأیید مشروعیت اصل پدرسالاری حقوقی، بر پدرسالار بودن مبنای جرم‌انگاری جرایمی از قبیل سوءمصرف و اعتیاد به مواد مخدر صحنه می‌گذارند. از دیدگاه ایشان، درست است که انسان آزاد آفریده شده و در اعمال خود مختار است، اما آزادی او مطلق نبوده، و محدود و مقید به قیود و شروطی است که یکی از آن‌ها «منع اضرار به غیر» است و قسم دیگر آن «منع اضرار به خود» است. از نگاه اینان، اولاً هدف از خلقت انسان و اعطای موهبت آزادی به او به معنای یله و رها بودن او نیست.^۱ انسان در قبال آزادی، مسئول هم هست. مسئول نسبت به خود و دیگران. او محدوده این آزادی را نیز تعیین کرده است.^۲ انسان آزاد نیست که خود را بکشد، یا با استعمال موادی که می‌داند سمی و کشنده بوده و موجب مرگ تحقیرآمیز و تدریجی او می‌شود به آرامش زودگذر و ظاهری برسد.^۳ همان‌گونه که حق ندارد در خودکشی

۱. و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون (الذاریات: ۵۱)؛ افحسبتم انا خلقناکم عبثاً و انکم لاترجعون (مؤمنون: ۲۳).

۲. در خصوص اضرار به نفس به طور کلی، صریح‌ترین نهی از این تصرف و اضرار، درقرآن آیه ۲۹ سوره مبارکه نساء است در این آیه خالق متعال می‌فرماید: «ولاتقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیماً» خود را نکشید، به راستی که خداوند نسبت به شما مهربان است. و در آیه ۳۰ این سوره، کسانی را که چنین کنند، بیم از آتش جهنم می‌دهد. همچنین در آیه ۹۱ سوره مبارکه بقره نیز خداوند می‌فرماید: «و لاتلقوا بایدیکم الی التهلکة»، خود را به دست خود به هلاکت نیفکنید. به نظر می‌رسد این آیه شریفه اطلاق دارد و مقصود نهی از ارتکاب هر عملی است که موجب هلاکت و نابودی انسان شود که مواد مخدر مصداق بارز آن است.

۳. در خصوص اضرار به نفس در مورد استعمال مواد مخدر مرحوم آیت‌الله خویی استعمال مواد مخدر را از باب «اکل سم» و ضرر رساندن به جسم و به مخاطره انداختن سلامت جسمی و روانی در شرع حرام مسلم دانسته‌اند (خویی، ۱۴۱۰: ج ۱۳: ۱۶۸).

دیگری، به روش مذکور مساعدت کند. در این نگاه، انسان در محضر خداست و با توجه به مفهوم ذنب و گناه در شریعت، حریمی که در آن حوزه مسئولیت انسان دین‌دار خاتمه یابد قابل تصور نیست. نهاد امر به معروف و نهی از منکر در اسلام که نوعی نظارت عمومی را طراحی کرده است، در حقیقت با توجه به آزادی و مسئولیت فرد دین‌دار مفهوم می‌یابد. البته حدود و شیوه دخالت در این حوزه دارای آداب و ضوابط خاصی است که عدم رعایت آن خود، منکری است که برخی دین‌داران ناآگاه به دستورات شریعت گرفتارش می‌شوند، ولی اجرای بد قانون، به حکمت آن لطمه‌ای وارد نمی‌کند. در کنار مسئولیت افراد برای احتراز از رفتارهای خطرآفرین نسبت به جسم و جان خویش، با توجه به فلسفه رسالت و امامت در شریعت اسلامی، مسئولیت حکومت هم نسبت به رفتارهای به ظاهر فردی و به تعبیر جرم‌شناختی، جرایم فاقد بزه‌دیده (Victimless Crimes) با مسئولیت یک حکومت مبتنی بر ایدئولوژی لیبرال متفاوت است. البته در تمام مصادیقی که به عنوان جرم فاقد بزه‌دیده هستند، در یک نظام دینی، از طریق جرم‌انگاری نمی‌توان ایفای نقش و مسئولیت کرد. یک حکومت مبتنی بر شریعت، در این حوزه‌ها خود را موظف به دخالت می‌بیند اما متولیان سیاست جنایی باید نوع این دخالت را ساماندهی کنند. بر این اساس، در کنار آموزه امر به معروف، «نهاد حسبه» و محتسب پیش‌بینی شده است و وظیفه او نظارت بر رفتار افراد است. اتفاقاً شواهد تاریخی و حکایات نقل شده حاکی از این است که علاوه بر نظارت بر تخلفات مربوط به کسب و کار و تجارت و بازار، (بادکوبه هزاره، ۱۳۸۱: ۳۱۲) محتسب حواسش به بوی شرابی که احياناً مصرف شده یا روابط پنهان و یا صدای موسیقی و مواردی از این قبیل که در دسته جرایم فاقد بزه‌دیده قرار می‌گیرند، نیز بوده است (کوک، ۱۳۸۴: ۷۶۲). در مجموع دخالت پدرسالارانه حکومت در جرایم فاقد بزه‌دیده، از جمله سوءمصرف مواد مخدر یا مشروبات الکلی در حکومت دینی قابل درک و توضیح است. شاید به عنوان یک فرضیه قابل بحث، بتوان گفت حرمت مسلم دینی، مسکرات و تعیین حد شرعی برای آن و نظرات صریح فقها در حرمت شرب مسکرات در کمتر بودن مصرف و اعتیاد به الکل در مقایسه با مواد مخدر در کشورهای اسلامی از جمله ایران و افغانستان اثرگذار بوده است.

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی مطالب مطرح شده در خصوص توجیه جرم‌انگاری سوءمصرف مواد مخدر و اعتیاد، می‌توان گفت:

در مورد بد و خوب بودن یک رفتار یا ضررهای اخلاقی آن، به طور مطلق نمی‌توان اظهارنظر کرد. تعریف اخلاق و تعیین مصادیق رفتارها و حالات اخلاقی و غیراخلاقی، موضوعی است که با وجود تحقیقات و مطالعات فراوان، هنوز تردیدها و اختلاف‌نظرهای جدی در مورد

آن وجود دارد (راسخ، ۱۳۸۷: ۷۴؛ حسینی شاهرودی، ۱۳۸۴: ۱۲۵). البته آداب و رسوم و فرهنگ و عرف هر جامعه اهرمی است که می‌توان برای تصمیم‌گیری در این حوزه به آن توسل جست. این امر کاملاً ممکن است که جامعه‌ای نسبت به بعضی از مواد مخدر دید منفی نداشته باشد، هم‌چنان که در جامعه قدیم ایران مصرف تریاک از جمله این موارد بوده است. همان‌گونه که اشاره شد، چه بسا همین زمینه ذهنی، اقدامات و ضمانت‌اجراهای کیفری در خصوص جرایم مواد مخدر را در مقایسه با الکل و با وجود شدت مجازات‌ها ناکارآمد ساخته است. به عبارت دیگر، عدم منع صریح مصرف مواد مخدری مانند تریاک در منابع متنی اسلام و عدم صراحت پیشینه فقهی در خصوص مصرف تریاک در مقایسه با مسکرات و الکل، و اعتقاد به آثار درمانی و مفید آن و شیوع مصرف در بین افرادی که چه بسا مرجع رفتار نیز بوده‌اند، غیراخلاقی بودن مصرف مواد مخدر را با تردید مواجه می‌کند. نگارنده به خاطر می‌آورد که در وضعیت فرهنگی قبل از انقلاب اسلامی، حتی در روستاها، که اعتقادات دینی و تعهد به اخلاقیات مذهبی بسیار قوی بود، رژیم حاکم برای متقاعد کردن مردم به این امر که به جای گندم و جو، خشخاش کشت کنند با مانع خاصی مواجه نشد و حتی علما و مبلغان مذهبی هم موضوع را به عنوان امری غیردینی و غیراخلاقی برای مردم بیان نمی‌کردند. بنابراین به آسانی و بدون استدلال قوی در مورد غیراخلاقی بودن مصرف مواد مخدر، نمی‌توان آن را مبنای جرم‌انگاری قرار داد. البته اگر حمایت از اخلاق را نه فی‌نفسه، بلکه از آن جهت که موجب تداوم و استمرار حیات جامعه است در نظر بگیریم، با فرض اینکه اعتیاد را از نظر اخلاقی قبیح بدانیم؛ از این نظر که نقض این ارزش اخلاقی باعث اختلال در نظم و انسجام جامعه می‌شود، جرم‌انگاری بر این اساس قابل توجیه خواهد بود. به عبارت دیگر، اخلاق‌گرایی زمانی می‌تواند مبنای جرم‌انگاری اعتیاد قرار بگیرد که اولاً غیراخلاقی بودن این رفتار اثبات شود و ثانیاً نقض این امر اخلاقی انسجام و بنیان جامعه را با خطر مواجه سازد.

در خصوص توجیه جرم‌انگاری اعتیاد با توسل به اصل ضرر به دیگران، می‌توان گفت شخص معتاد در عین اینکه به جسم و جان خود صدمه و آسیب می‌زند، به صورت غیرمستقیم به خانواده و در سطح وسیع‌تر به جامعه نیز آسیب وارد می‌کند. به عنوان نمونه، مشکلات ناشی از سربار خانواده بودن و خدمات درمانی و بهداشتی که فرد معتاد دریافت می‌کند از آن جنبه قابل توجه هستند که هزینه‌های آن از طریق منابع عمومی دولت یا مالیات شهروندانی که به این امر رضایت ندارند تأمین می‌شود. در عین حال به نظر می‌رسد ضرر به غیر که مورد نظر حقوق کیفری است و به خصوص در مکتب لیبرالی از آن بحث می‌شود، ضرر مستقیم و بی‌واسطه‌ای است که از عنصر مادی جرم ناشی می‌شود. بنابراین باید بین مضر بودن مصرف مواد مخدر برای دیگران، و ضررهایی که ممکن است بعد از استعمال مواد مخدر و اعتیاد برای دیگران ایجاد شود، تفاوت گذاشت. این موضوع در برخی دیگر از جرایم فاقد بزه‌دیده مانند عدم استفاده از

کلاه و کمر بند ایمنی و متعاقباً آسیب دیدن راننده یا راکب ممکن است و در ایجاد ضررهای مادی و معنوی به خانواده آسیب دیده و به طور کلی به جامعه تردیدی نیست. در این زمینه افزایش روزافزون حق بیمه‌ای که رانندگان وسایل نقلیه برای جبران خسارات این قبیل افراد بی‌مبالات پرداخت می‌کنند قابل ذکر است. از طرف دیگر، اگر دامنه ضرر را به ضررهای غیرمستقیم و احتمالی و یا آثار وضعی اعتیاد و یا هر رفتار دیگر خانواده و جامعه گسترش دهیم، همین استناد به ضررهای غیرمستقیم، موجب جرم‌انگاری‌های گسترده و نقض غرض و مغایر با خواست طراحان اصل ضرر خواهد شد که به منظور کاهش دادن مداخله دولت، به آن متوسل شده بودند.

علاوه بر موارد مذکور، مقررات کیفری ایران و به خصوص تحولات جدید قانونی، به افراد معتاد به عنوان بیمارانی نگرینسته است که نیاز به معالجه و مشاوره درمانی دارند. آنچه در عنصر قانونی جرم اعتیاد به مواد مخدر در ماده ۱۵ اصلاح شده در ۱۳۸۹ قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر ۱۳۷۶ مشاهده می‌کنیم این است که معتادان مکلفند در مراکز مورد نظر قانون، با دریافت کارت درمان نسبت به معالجه خود اقدام کنند، در غیر این صورت مجرم خواهند بود. از روح این ماده چنین به نظر می‌رسد که در مرحله‌ای که معتاد اقدامات درمانی را انجام می‌دهد، بیمار بوده و مجرم تلقی نمی‌شود، و اگر هم مجرم باشد، با اقدام به معالجه نه تنها سرزنش نمی‌شود بلکه مورد حمایت نیز قرار می‌گیرد. در صورتی که باید پرسید اگر انگیزه قانون‌گذار از جرم انگاشتن اعتیاد، ایراد چنین ضرری به دیگران باشد، چگونه خود، ورود این ضرر را در قانون تنفیذ کرده و از آن حمایت می‌کند؟

با لحاظ نکات فوق و با تأکید بر اینکه اعتیاد جرمی بدون بزه‌دیده مستقیم است، و با توجه به اینکه معتاد، بزهکاری است که خود قربانی و بزه‌دیده رفتار خویش است، راهکاری که در قالب تدابیر کیفری از ورود مضرات این حالت یا رفتار به شخص بزهکار جلوگیری می‌کند، پدرسالاری حقوقی خواهد بود. این اصل در مورد «معتادان یقه سفید» توجیه پذیرتر خواهد شد. تعبیر «معتادان یقه سفید» را می‌توان برای معتادانی به کار برد که ثروت فراوان دارند و برخی از آنان با تحصیلاتی بالا و ظاهری شیک و پسندیده، در مناصب و جایگاه‌های خوب و در کنار خانواده و اقوام و دوستان، به طور معمول و در رفاه، زندگی می‌کنند. اعتیاد این دسته از افراد، بسیاری از مضرات و پیامدهای خانوادگی و اجتماعی پیش‌گفته را به همراه نخواهد داشت. اما ضررهای فردی ناشی از مصرف مواد مخدر همچنان مداخله پدرسالارانه را در مورد آن‌ها موجه می‌سازد.

با اصل پدرسالاری حقوقی، جرم‌انگاری کشت، ترانزیت و فروش مواد مخدر هم موجه می‌شود. دولت با این تفکر که مصرف این مواد برای خریدار زیان‌بار است، تولید و سایر فعالیت‌های مرتبط با آن را غیر قانونی اعلام می‌کند زیرا مجاز شمردن تولید و تجارت کالایی که

دولت سهولت دسترسی، مصرف و اعتیاد به آن را برای تمامی افراد جامعه مضر می‌داند، بی‌معنا خواهد بود. نکته دیگری که بر پدرسالارانه بودن جرم‌انگاری اعتیاد صحنه می‌گذارد، این است که شاید از میان تمام اعمالی که افراد با انجام آن‌ها به نحوی به خود ضرر می‌زنند یا این‌گونه ادعا می‌شود، اعتیاد به مواد مخدر از معدود شرایطی است که همه، از جمله شخص معتاد، به مضرات آن اذعان دارند. اگر بتوان ادعا کرد که «آن‌ها در پس اعتقادات خود به چنین حمایتی رضایت داده‌اند، گونه‌ای پدرسالاری شکل می‌گیرد که به تعبیر پتر سابِر (pater suber) «خود پدرسالاری» (self paternalism) یا پدرسالاری مبتنی بر رضایت نامیده می‌شود. در واقع با کسب چنین رضایتی می‌توان گفت که شخص خود را پاترنالیزه کرده است (سابِر، ۱۳۸۸: ۳۸۰). اگر بتوان چنین استدلالی را پذیرفت، این نوع پدرسالاری کمتر از پدرسالاری کلاسیک نیاز به اعتراض دارد.

بنا بر مطالبی که گفته شد، در شرایطی که روز به روز بر انواع و اقسام مواد مخدر و روان‌گردان‌های گشوده می‌شود، به طور طبیعی دولت، نقش پدر پیدا خواهد کرد، پدری که به گواهی تاریخ قوانین کیفری مواد مخدر (مثلاً ایران) برای یافتن راه تأثیرگذارتر در منع، درمان و بازپروری فرزند بالغ خود، مدام در اصلاح عملکرد خویش می‌کوشد. فعلاً روح ماده ۱۵ قانون مبارزه با مواد مخدر نیز بیانگر رویکردی پدرسالارانه است. چراکه در ابتدا با تشویق و ارفاق، فرصت لازم را برای درمان به معتادان می‌دهد و سیاست تنبیه را زمانی به کار می‌گیرد که آن‌ها عناد کرده و به رفتار مضر خویش تظاهر کنند. بنابراین، با مدنظر قرار دادن تمامی مباحثی که ذکر شد، اعتیاد از جمله رفتارهایی است که جرم‌انگاری آن بر مبنای پدرسالاری حقوقی با قطعیت بیشتری قابل توجیه و تفسیر است. اما اینکه آیا بهترین گزینه برای متولیان سیاست جنایی، جرم تلقی کردن این رفتار و پاسخ کیفری دادن به آن است؟ و آیا گزینه‌های دیگری وجود دارد که به شکل بهتری بتواند از آثار مخرب مواد مخدر بر جسم و روح جامعه بکاهد؟ موضوع دیگری است که در این مجال فرصت پرداختن به آن نیست.

منابع

۱. قرآن کریم چاپ وزارت ارشاد اسلامی.

الف) فارسی

۲. آشوری، محمد (۱۳۸۴)، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ نهم، تهران، انتشارات سمت.
۳. آقابابایی، حسین (۱۳۸۶)، بررسی فقهی- حقوقی جرم براندازی، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴. آقابابایی، حسین (۱۳۸۹)، قلمرو امنیت در حقوق کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۵. استوارت میل، جان (۱۳۸۸)، درباره آزادی، ترجمه محمود صنایعی، چاپ اول، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۶. بادکوبه هزاوه، احمد (۱۳۸۱)، *بنیادهای سازمان حسیه از آغاز تا پایان دوره اموی*، مقالات و بررسی ها، دفتر ۷۱. برلین، آیزایا (۱۳۸۰)، چهار مقاله در باره آزادی، ترجمه محمد علی موحد، چاپ دوم، تهران، انتشارات خوارزمی.
۸. تفرشی، حسام الدین، *آمار اعتیاد در ایران*، مجله علوم پزشکی رازی، سال بیست و سوم، شماره ۲، اسفند ۹۰.
۹. توجیهی، عبدالعلی (۱۳۷۹)، کاربرد یافته‌های بزه دیده شناسی در روند مبارزه با اعتیاد، همایش بین المللی علمی- کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، روزنامه رسمی.
۱۰. جعفری، محمد تقی (۱۳۷۰)، تحقیق در دو نظام جهانی حقوق بشر، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران.
۱۱. جلیلیان رستمی، مجتبی و امید قائمی، مریم و دیگران (۱۳۸۵)، بررسی ارتباط هیاتیت‌های B, C با ترومبوز عمقی در افراد معتاد تزریقی، مجله طب نظامی، دوره هشتم، شماره ۱.
۱۲. حجازی، آریا و زارع، غلامعلی و دیگران (۱۳۸۸)، بررسی مرگ‌های ناشی از سوء مصرف مواد مخدر در اجساد ارجاع شده به اداره کل پزشکی قانونی خراسان، مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دوره پنجاه و دوم، شماره ۲.
۱۳. حسینی شاهرودی، سیدمرتضی (۱۳۸۴)، اخلاق و نسبیت، نشریه الهیات و حقوق، شماره ۱۸.
۱۴. دامغانی، محمدعلی (۱۳۸۳)، بررسی اعتیاد به تریاک بر سن بروز سرطان حنجره در کرمان، مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمان، دوره یازدهم، شماره ۲.
۱۵. راسخ، محمد (۱۳۸۷)، حق و مصلحت (مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و ارزش)، چاپ سوم، تهران، طرح نو.
۱۶. رایجیان اصلی، مهرداد، (۱۳۹۰)، بزه دیده شناسی (تحولات بزه دیده شناسی و علوم جنایی)، جلد اول، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای شهر دانش.
۱۷. رحمدل، منصور (۱۳۸۲)، اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر در ایران؛ جرم زدایی یا جرم انگاری، نشریه رفاه اجتماعی، شماره ۹.
۱۸. رحمدل، منصور (۱۳۸۳)، حقوق کیفری مواد مخدر، چاپ اول، تهران، انتشارات میثاق عدالت و انتشارات سه دانش.
۱۹. رحمدل، منصور (۱۳۸۳)، مباحث نظری حقوق بشر و معتادان، مجله رفاه اجتماعی، شماره ۱۳.
۲۰. رضایی نسب، مسعود (۱۳۸۶)، گذری کلی بر عوارض مواد مخدر، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۶۹.
۲۱. سابر، پتر (۱۳۸۸)، پدرسالاری حقوقی، ترجمه جلال الدین قیاسی و فهیم مصطفی زاده، مجله حقوق اساسی، سال ششم، شماره ۱۱.
۲۲. شریفیان عطار، جمیله و جهانیان، منیره و دیگران (۱۳۹۰)، *سرانجام مادری، جنینی و نوزادان خانم‌های حامله معتاد به مواد مخدر*، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، دوره نوزدهم، شماره ۲.
۲۳. شفیع سروستانی، صدیق (۱۳۸۷)، *هنجارهای تسهیل کننده مصرف مواد مخدر (تریاک و نظایر آن) در میان اقوام ایرانی*، فصل نامه دانش انتظامی، سال دهم، شماره دوم.
۲۴. طغری نگار، حسن، (۱۳۹۲)، *مرزهای شکننده سیاست جنایی*، در دایره المعارف علوم جنایی، علی حسین نجفی ابرندآبادی (زیر نظر)، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۲۵. فرزین فر، مهرداد (۱۳۸۴)، *اعتیاد، علل و پیامدهای آن*، مجله مطالعات علوم اجتماعی ایران، پیش شماره ۱.

۲۶. کلارکسون، سی. ام. وی (۱۳۷۱)، تحلیل مبانی حقوق جزا، ترجمه حسین میرمحمد صادقی، چاپ اول، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲۷. کوک، مایکل (۱۳۸۴)، امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی، ترجمه احمد نمایی، چاپ چهارم، موسسه چاپ آستان قدس رضوی.
۲۸. کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۳)، عوامل اجتماعی طلاق، قم، چاپ قدس.
۲۹. گری، جان (۱۳۷۹)، فلسفه سیاسی جان استوارت میل، ترجمه خشایار دیهیمی، چاپ اول، تهران، طرح نو.
۳۰. عسگری، صدیقه و امینی، فرحناز و دیگران (۱۳۸۷)، *ارتباط اعتیاد به تریاک با عوامل خطر بیماری‌های قلبی-عروقی*، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دوره پانزدهم، شماره ۳۴.
۳۱. محمدخانی، پروانه و عسگری، علی و دیگران (۱۳۸۹)، *بروز نشانگان روان پزشکی در زنان دارای همسران معتاد*، مجله روانشناسان ایرانی، دوره ششم، شماره ۲۳.
۳۲. محمودی جانکی، فیروز (۱۳۸۶)، *مبانی فلسفی منع حقوقی و کیفری ایراد ضرر به خود (مطالعه موردی الزام استفاده از کمر بند و کلاه ایمنی در رانندگی)*، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال ۳۷، شماره ۱.
۳۳. محمودی جانکی، فیروز (۱۳۸۶)، *مفهوم آزادی و نسبت آن با جرم انگاری*، مجله علوم جنایی، شماره ۱.
۳۴. محمودی جانکی، فیروز (۱۳۸۲)، *مبانی، اصول و شیوه‌های جرم انگاری*، رساله دکتری دانشگاه تهران.
۳۵. معلمی، صدیقه و رقیبی، مهوش و دیگران (۱۳۸۹)، *مقایسه هوش معنوی و سلامت روان در افراد معتاد و غیر معتاد*، مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، دوره هجدهم، شماره ۳.
۳۶. موراوتز، توماس (۱۳۸۷) *فلسفه حقوق (مبانی و کارکردها)*، ترجمه بهروز جندقی، چاپ اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی حمید، (۱۳۹۰) *دانشنامه جرم‌شناسی*، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش.
۳۸. همپتن، جین، (۱۳۸۰) *فلسفه سیاسی*، ترجمه خشایار دیهیمی، چاپ اول، تهران، طرح نو.

ب) عربی

۳۹. خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، *التنقیح*، تقریرات میرزا علی غروی تبریزی، چاپ دوم، قم، دارالهادی.
۴۰. سیوری حلی، جمال الدین المقداد (۱۴۰۳ق)، *نضد القواعد الفقهیه*، تحقیق عبدالطیف کوه‌کمری، قم، مکتبه السید المرعشی.

پ) انگلیسی

41. Ashworth, Andrew (1992), "Principles of Criminal Law", New York, Oxford University press.
42. Brown, C. (1994), "Failure of War on Drugs". in: *Drugs, Morality and the law*. Steven Luper-foy (ed). New York & London, Garland Publishing Inc.
43. Devlin, Patrick (1970), *The Enforcement of Morals*, First Published, Oxford University Press, New York.
44. Dworkin, Gerald (2010), *Paternalism*, in *Stanford Encyclopedia of Philosophy*, available at: <http://www.plato.stanford.edu/entries/paternalism/>.
45. Feinberg, Joel (1990), "Harmless wrong doing, the moral limits of the criminal law", volume 4, Oxford university press.

46. Feinberg, Joel (1986), "Harm to Self: The Moral Limits of the Criminal Law", Oxford University Press.
47. Heal & Laycock (1988), *The Development of Crime Prevention, Issues & Limitation*, in Hope & Show, Communications and Crime Reduction, London, HMSO.
48. Ostrowski, James (1990), *The Moral and Practical Case for Drug Legalization*, Hofstra Law Review, Vol.18.
49. Suber, peter (2010), *Paternalism and Legal Moralism*, available at: <http://www.PaulJusticpage.com>
50. Schonscheck, Janathan (1994), *On Criminalization*, Volume 19, New York, Kluwer Academic Publisher.